

انقلاب مداوم در ایران

پیش گفتار مازیار رازی بر چاپ سوم

«انقلاب مداوم» اثر لنون تروتسکی

در آستانه ی تحولات نوین کارگری در ایران و سالگرد انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، مسأله ی ماهیت انقلاب کارگری آتی در دستور روز، کارگران سوسیالیست انقلابی قرار گرفته است. «محققان» بورژوا و خرده بورژوا قصد دارند که چنین وانمود کنند که گویا انقلاب آتی ایران به نوعی «انقلاب دموکراتیک» است. بدین مفهوم که تکالیف بورژوا دموکراتیک عقب افتاده تنها توسط طبقه ی بورژوا قابل حل است. اما واقعیت انقلاب آتی ایران خلاف نظرگاه های این «محققان» را نشان می دهد. انقلاب آتی ایران تنها می تواند یک انقلاب کارگری باشد. به عبارت دیگر انقلاب ایران یک انقلاب مداوم است. تداوم انقلاب به مفهوم حل تکالیف عقب افتاده «بورژوا دموکراتیک» و انجام تکالیف سوسیالیستی در ادغام با هم؛ به رهبری طبقه ی کارگراست.

انقلاب آتی ایران یک انقلاب مداوم است زیرا سرمایه داری ایران به علت ادغام در بازار جهانی سرمایه داری و شکل ویژه رشد سرمایه داری، قادر به پیشبرد نیروهای مولده نبوده، نیست و نخواهد بود. در ایران تولید وسایل تولیدی امکان پذیر نیست. این که بورژوازی در قدرت، «مستبد» باشد یا «دموکرات» تغییری در این وضعیت عینی نمی دهد. در بهترین حالت تولید

وسایل مصرفی (کارخانه‌های کفش‌سازی، لوله آهن، سیمان و غیره) مانند زمان شاه به رشد غیر مؤثر و بحران زای خود ادامه خواهد داد - با این تفاوت بازگشت اقتصادی به سطح تولیدات اقتصادی نظام شاهنشاهی خود راه پُرمشقت و بلندی را برای بورژوازی ایران در بر خواهد داشت. در نتیجه، رشد نیروهای مولده در ایران در چارچوب مناسبات سرمایه‌داری همواره با بحران ساختاری مواجه است. برخلاف سرمایه‌داری غرب که سیکل‌های متناوب اقتصادی (شکوفایی، افت، رکود و غیره) مشاهده می‌شود، در کشورهای نظیر ایران همواره، پس از رشد اقتصادی محدود و غیرمولد، «رکورد» اقتصادی به وقوع می‌پیوندد. رکود، یکی از وجوه مشخصه‌ی سرمایه‌داری در ایران است. بورژوازی به هر شکل آن در ایران؛ حامل بحران ساختاری اقتصادی است. در نتیجه هر نوعی از حکومت‌های بورژوایی، مجبور به استقرار نظام سرکوب و اختناق خواهد شد. در عصر سرمایه‌داری پسین، بورژوازی (بومی، ملی، عماله به سر، تاج‌دار یا کروات) همه ارتجاعی هستند. ارتجاعی به این مفهوم که به نیروی بازدارنده پیش‌رفت اقتصادی مبدل می‌گردند. تنها نیروهای انقلابی و مترقی‌اند، که از نظام سرمایه‌داری (ملی و بین‌المللی) گسست کنند. کسانی که زیر لوای دفاع از «ملی‌گرایی» (استناد به مقالات ۱۸۴۴ کارل مارکس) هم‌سوی با بورژوازی بومی را توجیه و تبلیغ می‌کنند، خود، خواسته و یا ناخواسته «در خدمت ارتجاع حاکم و امپریالیزم جهانی قرار می‌گیرند».

برخلاف نظریات «انقلاب دموکراتیک» (به خوانید انقلاب بورژوایی)، انقلاب آتی تنها حول خواست‌های دموکراتیک شکل نخواهد گرفت؛ که کارگران برای به‌چنگ آوردن خرده‌نانی از بورژوازی مجبور به مسکوت

گذشتن مطالبات محوری خود کردند. کارگران و زحمت کشان ایران هم راه با متحدان واقعی خود (دهقانان فقیر، ملیت های تحت ستم و بخش های عمده ای از جوانان و زنان) مبارزات خود را پیرامون مطالبات دموکراتیک و ضد سرمایه داری، در راستای به رهبری گرفتن انقلاب برای انجام تکالیفی که مقابلشان است گام بر می دارند.

امروز، در واقع به غیر از تکالیف دموکراتیک (که بورژوازی قابلیت انجام آن را از دست داده است) تکالیف ضد سرمایه داری نیز در دستور روز قرار گرفته است (کنترل کارگری بر تولید و توزیع، اقتصاد با برنامه، تدارک مدیریت کارگری و غیره). بدیهی است که بدون سرنگونی سرمایه داری و لغو مالکیت خصوصی بر وسایل عمده ی تولیدی، زمینه لازم برای جهش تکنولوژیک، به وجود نخواهد آمد. بدون چنین جهشی، ایران هرگز صنعتی نخواهد شد و چهره ی «دموکراسی» را به خود نخواهد دید. به سخن دیگر، بدون الغای مالکیت خصوصی و بدون اقتصاد «با برنامه» صنعتی شدن جامعه ی عقب افتاده ای نظیر ایران غیرقابل تحقق است. تنها با برداشتن جهش تکنولوژیک، ایران قادر خواهد بود که سهمی از بازار جهانی را به خود اختصاص دهد. بدون چنین سهمی استفاده از تکنولوژی پیش رفته کارآیی ندارد. اقتصاد ایران برای پیش رفت تکنولوژیک باید ابتدا از چنگال بازار تحمیلی توسط سرمایه داری جهانی خود را رها سازد.

در نتیجه، برای رهاسازی اقتصادی، باید تکالیف مرکبی انجام پذیرد: تکالیف لاینحل دموکراتیک (مسئله ی ارضی، ملی و دموکراسی و غیره) و هم زمان با آن (بنا بر وضعیت مشخص) حل تکلیف ضد سرمایه داری (اقتصاد با برنامه، کنترل کارگری بر تولید و توزیع، و مدیریت کارگری و غیره).

بنابر این مجموعه این تکالیف باید انجام پذیرند. بدون رفع کلیه ی این تضادها، هیچ یک از تضادها حل نمی گردند. و فقط طبقه ی کارگر در مقام حل این تکالیف مرکب قرار گرفته است. حتی چنان چه امروز آمادگی آن را نداشته باشد.

ریشه ی نظری و تنوریک این تحلیل در تز « انقلاب مداوم» لنون تروتسکی نهفته است.

اساس تنوری انقلاب مداوم را تروتسکی یک سال پس از انقلاب ۱۹۰۵ روسیه در جزوه ی "نتایج و چشم اندازها" در زندان تزار تدوین کرد. پایه ی این تنوری که با نگرش مارکسیستی با ویژگی های روسیه ی عقب افتاده و تجربیات انقلاب ۱۹۰۵ منطبق بود؛ تدوین شد. تروتسکی متکی بر این نظریه ی ماهیت سوسیالیستی انقلاب آینده ی روسیه را ترسیم کرد.

طبق این نظریه گسترش ناموزون و مرکب تاریخی امکان می داد که انقلاب سوسیالیستی در کشور عقب افتاده ای مانند روسیه زودتر از کشورهای صنعتی آغاز شود. در اوائل قرن بیستم با ظهور جنبش کارگری و سوسیالیستی در روسیه، بحثی در میان مارکسیست ها و انقلابیون آن کشور درباره ی ماهیت انقلاب در روسیه درگرفت. دو اثر اساسی که در این مورد نوشته شده است یکی "دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک" اثر لنین و دیگری "نتایج و چشم اندازها" اثر لنون تروتسکی است که در این دو کتاب چشم انداز انقلاب در روسیه از طرف لنین و تروتسکی ارائه شده است. علاوه بر این، اقلیتی در سوسیال دموکراسی روسیه که به "منشویک ها" شهرت داشتند، نیز موضع سومی اتخاذ کرده بودند که با مواضع لنین و تروتسکی تفاوت اساسی داشت. تروتسکی در

"نتایج و چشم اندازها" تنوری معروف خود را که به «انقلاب مداوم» شهرت یافته ارائه داد.

هنگام بروز انقلاب -که بزرگ ترین محک هر تنوری است- در سال ۱۹۱۷، لنین و تروتسکی عملاً به موضعی مشابه که توسط تنوری انقلاب مداوم از قبل توضیح داده شده بود، دست یافتند و منشویک ها به ائتلاف با سرمایه داران و مخالفت با ایجاد یک دولت کارگری پرداختند. بدین ترتیب با موفقیت سیاست بلشویک ها یعنی مبارزه ی مستقل از احزاب بورژوا و خرده بورژوا که در انقلاب اکتبر به نمایش گذاشته شد، تنوری انقلاب مداوم به عنوان یک راهنمای عمل استراتژیک، به یکی از دست آوردهای نهضت سوسیالیزم انقلابی جهانی مبدل شد.

انقلاب فوریه ۱۹۱۷ و سپس انقلاب اکتبر کلیه ی بحث های گذشته ما بین لنین و تروتسکی را به آرشیو بحث های سوسیال دموکراسی سپردند. به جای بحث ها و اختلافات گذشته، اکنون لنین و تروتسکی در رهبری حزب بلشویک، انقلاب پیروزمند اکتبر را رهبری کرده بودند، بحث ها و پیشنهادات جدید برای پاسخ گویی به نیازهای انقلاب پیروزمند روسیه و گسترش انقلاب سوسیالیستی به سایر کشورها، صورت می گرفت.

ولی پس از مرگ لنین، در دوران خیزش موج ارتجاع علیه انقلاب اکتبر، هنگامی که بوروکراسی استالینیستی در اتحاد شوروی و در حزب بلشویک به رهبری استالین پا به عرصه ی وجود گذاشت و در صدد تحکیم خود بود، این بوروکراسی برای انتقاد از جناح انقلابی به رهبری تروتسکی، کلیه ی آرشیوهای خاک خورده را بیرون کشید تا ثابت کند که لنین همواره مخالف تروتسکی بوده است! علاوه بر آن با رد درس های اساسی انقلاب اکتبر که

صحت تئوری انقلاب مداوم را به بهترین وجه در عمل به اثبات رسانیده بود، راه را برای تجدید نظرطلبی خود و سپس خیانت آشکار به انقلاب در کشورهای دیگر هموار ساخت. بدین ترتیب بوروکراسی برای تثبیت و تحکیم خود، کلیه ی نظرات و تئوری های انقلابی را زیر باد حملات گرفت.

کتاب حاضر پاسخی است که تروتسکی به یکی از این انتقادات درباره ی تئوری انقلاب مداوم داده است. پاسخ تروتسکی به یکی از نوشته جات کارل رادک است که خود زمانی در اپوزیسیون چپ در اتحاد با تروتسکی علیه استالین و یارانش مبارزه می کرد. ولی پس از تبعید تروتسکی، رادک تسلیم سیاست های استالین شد و در شرایط خفقان استالینیستی برای خشنودی استالین، نقدی بر "انقلاب مداوم" نوشت. با این وجود رادک نیز سرانجام قربانی ارتجاع استالینیستی شد و در زندان های استالین در گذشت.

خواندن این کتاب، به تمام کارگران پیشرو توصیه می شود.

۲۲ بهمن ۱۳۸۲

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.iwsn.org/nashr.htm>

آدرس پستی: BM Kargar, London WC1N 3XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۲